رساله تعریف اصفهان

رجائی زفره ای، محمد حسن

در کتابخانهء مرکزی دانشگاه تهران مجموعه‏ای است بشماره 3034 شامل چند کتاب و رساله که یکی از آنها(رسالهء تعریف اصفهان)تألیف‏ ملا عطا اعجاز هراتی است.

در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه جلد دهم صفحه 1973 تألیف‏ فاضل ارجمند آقای محمد تقی دانش‏پژوه چنین یاد شده:

«بسیار رساله شیوائی است و در هرعنوان شعری است از خود او و این‏ رساله از رهگذر شناخت شهر سپاهان و مردم آن در آن زمان بسیار سودمند بلکه بی‏مانند است.

مقدمه‏ای دارد و عنوانهای:تمهید بساط عیش-تعریف بهار مشتمل بر اسامی مقامات-دیباچه‏ای-اسامی حمامات-جوش‏وخروش مردم در دشت‏ وجوباره-اظهارخانه شعار عوام الناس-بزازان-خیاطان-صفت:زرگرها، کمانگر،شمشیرگر،ازدحام،اسامی قهوه‏خانه...اسامی محلات‏ شهر صفاهان،تهیه‏ساز و برگ خاص و عام،فروش مجلس انبساط،کیفیت‏ بزم،شعرای محفل؛حکمای بزم-صحبت کتاب،علمای طریقت،اطعمه‏ و اشربه،فراغ کوکب آتش‏بازی،هنگام رسن‏بازی،ماحصل کلام».

این رساله خطی ظاهرا منحصربفرد و در فهرست‏هائی که در اختیار نگارنده بود نسخه دیگری شناخته نشده نویسنده کتاب(ملا عطا اعجاز هراتی) ظاهرا در ربع سوم قرن 11 هجری در شهر اصفهان درگذشته اما محل قبر و سال فوت او معلوم نیست وی همان کسی است که در تذکرهء نصرآبادی صفحهء 408 و تذکرهء صبح گلشن صفحه 27 قاموس الاعلام ترکی صفحه 995 الذریعه‏ الی تصانیف الشیعه(الشعر و الشعرا جلد 9 بخش 1)یاد شده و نصرآبادی او را قطب فلک سخنوری دانسته و درباره کتابش این‏طور گفته:«در لباس مدح‏ در باب اصفهان شوخیها فرموده فقیر را تعصب روستاییگری بجوش آمده چند فقره نثر در جواب آن نوشتم بسمع عزیزان رسیده فیما بین نقاری بود تا خود آمده عذرها خواست بعد از آن به هرات رفته باز باصفهان مراجعت نمود فوت‏ کرد غرض که قطب فلک سخنوری بود.»

بتقاضای اینجانب جناب آقای افشار فتوکپی آن را در اختیار نگارنده‏ گذاشته و اشعاری از او در اینجا نقل میشود:

سالها راه دیر پیمودم‏ ناگهم دل بسوی کعبه شتافت‏ بنده خانه‏زاد تقدیرم‏ سر ز حکمش نمیتوانم تافت

مینماید عالم از آئینه دریاچه رود اصفهان نقش جهان تازهء بر آب زد

ز صفاهان ز قضا نقش جهان خوب نشست‏ عالمی در سفرش از وطن آواره ببین

صد طعن بر حلاوت بالنگ میزند گر کفش کهنه تو مربا کند کسی